نگاه برخی نویسندگان به همایش داستان کوتاه دفاع مقدس

کرباسچی، مونا

‏ اصولا هر همایش یا گردهمایی از این جنس کمک‏ می‏کند به اعتلای آن موضوعی‏ که همایش به‏خاطر آن برگزار می‏شود.ازجمله ادبیات داستان‏ کوتاه دفاع مقدس که به‏هرحال‏ موضوعی است که در این حوزه‏ کم‏تر به آن پرداخته شده است‏ و شاید بتوان گفت ما در سال‏ یک یا دو مورد به ادبیات دفاع مقدس،آن هم در این هفته‏ای‏ که هفتهء دفاع مقدس هست،نمی‏پردازیم.به‏هرحال این‏ همایش‏ها اگر قرار است کمکی باشد به پیشبرد ادبیات،می‏تواند به صورت ماهیانه و یا فصلی برگزار شود.اما این نخستین‏ همایش را به فال نیک می‏گیرم و فکر می‏کنم که بعد از این‏ ما بیاموزیم که از این همایش‏ها زیاد داشته باشیم.درهمایش‏ داستان کوتاه دفاع مقدس،سخنران‏ها و قصه‏خوان‏ها تمام‏ توان خود را صرف بهتر کردن محتوا و کیفیت این برنامه کرده‏ بودند.اما تنها مسئله‏ای که شاید بشود به عنوان اشکال در این‏ همایش نام برد،حاشیه‏هایی بود که برخی از دوستان سخنران‏ رفتند و اینکه به موضوع اصلی یعنی«داستان کوتاه در ادبیات‏ دفاع مقدس»آن طور که باید نپرداختند و از فرصت‏ها استفادهء لازم را نبردند و گاه به صورت کلی به رمان و به داستان دفاع‏ مقدس پرداخته شد نه به صورت خیلی تخصصی.

بلقیس سلیمانی

مدتی این مثنوی تأخیر شد.در سال 1373 اینجانب همراه‏ با تنی چند از منتقدین(از جانب دفتر مطالعات ادبیات داستانی، فصلنامهء ادبیات داستانی و بنیاد جانبازان)دعوت شدیم تا از میان انبوه داستان کوتاه ادبیات جنگ بهترین داستان‏ها را انتخاب کنیم.تقریبا مدت 6 ماه گروه کوچک ما بی‏وقفه‏ داستان کوتاه خواندند.نتیجهء داوری اولیه مشخص شد اما در آن سال و سال‏های بعد از آن این حرکت به سرانجامی نرسید. چرایی آن را دقیقا نمی‏دانم اما همیشه مغبون بودم و منتظر و بالاخره این انتظار به پایان رسید و به همت شما عزیزان‏ اولین همایش داستان کوتاه دفاع مقدس برگزار شد.خدایتان‏ 2Lاجردهاد و خستگی بر تنتان مباد.

این همایش به انتظار ما پاسخ داد اما با کمال تأسف با وجود تلاش‏های بی‏حدواندازهء دست‏اندرکاران،وقتی از مکان‏ همایش بیرون آمدم همچنان احساس مغبونیت می‏کردم.من‏ به سخنرانی استاد عزیزم جناب آقای شیرزادی نرسیدم اما در صحبت‏های دیگر عزیزان حرفی و سخنی که مبیّن جایگاه‏ داستان کوتاه جنگ باشد نشنیدم حرف‏ها بس خوش آیند و دردمندانه بود.عزیزان سخنران همه از دل سخن گفتند،اما به راستی آیا جای آن حرف‏های خوب و مهم آنجا بود؟این‏ سخنان را در هر محفل ادبی با محویت هر موضوعی می‏توان‏ گفت.اما در این میانه داستان کوتاه چه شد؟

آیا این تأخیر مثنوی مهلتی بود تا خون شیر شد؟و آیا به راستی چنین شد؟

منصوره شریف‏زاده

از نظر من نخستین‏ همایش داستان کوتاه‏ دفاع مقدس بد نبود.و البته از یک همایش یک‏ روزه نمی‏شود انتظار بیش‏تری داشت.اگر به‏ حرف‏هایی که زده شد عمل شود،می‏تواند راهگشا باشد.اما متأسفانه‏ برای همایش،تبلیغ‏ زیادی نشده بود؛من معتقدم در یک همایش باید از قشرهای‏ مختلف یک جامعه حضور داشته باشند.مردم جمعهء ما هنوز با این جور برنامه‏ها رابطهء لازم را برقرار نکرده‏اند.

علی اصغر شیرزادی‏ در مجموع به نظرم کار خوبی بود و ویژگی آن از پیش‏ تعیین نشده بودن آن است.ای کاش از نویسندگان جوان‏تر که‏ حتی یک کتاب کوچک هم دارند در میان سخنرانی‏ها استفاده‏ می‏شد.اما با تکیه بر اینکه نخستین همایش داستان کوتاه‏ دفاع مقدس بی‏پیرایه و صادقانه بود و حالت کلیشه‏ای نداشت، به نظر من حرکت خوبی تلقی می‏شود.

 همایش خوب بود. سخنرانی آقای شیرزادی از محتوای خوبی برخوردار بود و همهء کسانی که در این حوزه کار می‏کنند با مسائلی که ایشان‏ مطرح کردند متفق القول هستند. اما از نظر بیان،لحن مناسبی‏ نداشتند،طوری که رشتهء کلام‏ از دست شنونده درمی‏رفت. سخنرانی آقای ایرانی هم انسجام نداشت؛البته خودشان هم‏ گفتند که به‏خاطر کمی وقت به بعضی نکات اشاره می‏کنم. من با صحبت آقای ایرانی در مورد باز بودن دست هنرمند برای شکوفایی خلاقیت و رشد موافق هستم.داستان آقای‏ قیصری هم با وجود داشتن زبان روان و رسایش،نیاز به ویرایش‏ داشت.در کل همایش خوبی بود و هنوز هم دیر نشده که آثار خوبی در این زمینه خلق شود،اما باید به تکنیک توجه بیشتری‏ کنیم.

زهرا زواریان

‏ انتظارم بیش‏از این بود.بعد از هفت سال خانه‏نشینی و دور بودن از محافل ادبی خصوصا همایش‏های مربوط به‏ داستان‏های جنگ شاید انتظاری‏ بیش‏از این داشتم.در این مدت‏ داستان‏های جنگ پیشرفت‏ بسیاری کرده است.توقع این بود که همایش مربوطبه آن هم از سطح بالاتری برخوردار باشد. در این نشست تخصصی باید حرف‏های جدی‏تری مطرح می‏ شد.در حالی‏که بخش عمده‏ای از مباحثی که عنوان شد سیاسی بود؛حرف‏هایی که جای گفتنش در این همایش نبود. شاید حضور یک یا دو مبحث دیگر لازم بود،بحث‏هایی که‏ مسألهء روز بود نه پرطمطراق نه پرحاشیه.جای نقد هم خالی‏ بود.کاش کسی چند داستان جنگ را به شکل کاربردی نقد می کرد.در ضمن برای تنوع بیش‏تر،یک یا دو گروه موسیقی‏ برنامه اجرا می‏کردند یا یک فیلم کوتاه به نمایش درمی‏آمد، نمی‏دانم.حس می‏کنم برنامه کمی شتاب‏زده طراحی شده‏ بود.جای بسیاری از نویسندگان و منتقدین خالی بود.من‏ شخصا دوست دارم کارهای مربوط به جنگ با شکوه و حماسی‏ برگزار شود.امیدوارم برای سال‏های بعد،از ماه‏ها پیش برنامه‏ریزی کنند.حیف است حالا که فقط سالی یک بار به یاد داستان‏های جنگ می‏افتیم لا اقل آنگونه برگزارش کنیم‏ که در ذهن ماندگار شود.

2Lمجید قیصری

‏ به عنوان گام اول و اهمیت‏ دادن به داستان کوتاه و آن هم‏ داستان کوتاه جنگ قابل تقدیر است.اما از بابت مدیریت و برنامه‏ریزی جای کار داشت که‏ به نظر شب امتحانی آدم‏ها انتخاب شده بودند.داستان‏های‏ خوانده شده در کل خوب بود (غیر از داستان خودم)ولی‏ سخنرانی‏ها هیچ تناسبی باهم نداشتند،بحث داستان کوتاه‏ جنگ چه ربطی به رمان و سانسور و غیره داشت،نمی‏دانم!

علی اصغر رمضان‏پور

‏ البته درهمایش داستان‏ کوتاه دفاع مقدس بحث‏های‏ خیلی خوبی مطرح شد؛چه‏ مباحثی که آقای شیرزادی‏ مطرح کردند و چه مباحثی که‏ آقای ایرانی مطرح کردند.منتها به نظرم یک اشارهء خوبی آقای‏ هشترودی کردند که ای‏کاش‏ در این همایش یک میزگرد هم‏ داشتیم که به صورت عمومی برگزار می‏شد.فکر می‏کنم خیلی‏ شتاب‏زده دربارهء ادبیات دفاع و پایداری قضاوت کردند،خیلی‏ شایسته نیست.به نظر من بعضی از حکم‏هایی که در بحث‏ها گفته می‏شد نیاز به تأمل بیش‏تری دارد.

ناصر ایرانی

این همایش در زمینه جنگ اولین تجربه بود.در تجربه‏های‏ اول هم همیشه نقص هست.ایراد اول این‏که در عرض‏ بیست دقیقه هیچ سخنرانی نمی‏تواند یک مطلب را جامع و مطلوب ارائه دهد.و چون وقت کم است سخنران‏ها مجبور می‏شوند پا را از حد وقت خود فراتر گذاشته و بیشتر بگویند. و این باعث شده بود تا اداره همایش طبق برنامه پیش نرود. همچنین گذاشتن سیه سخنرانی برای چنین همایشی با این‏ وقت محدود مناسب نبود.مشکل دوم داستان‏خوانی بود.من‏ خودم بیشتر عادت دارم داستان بخوانم و شنیدن داستان به‏ شکل شفاهی برای مردمی که از راه دور آمده بودند وقت‏ تلف کردن بود.چون به راحتی می‏توانستند خود بخوانند.و در آخر باید بگویم اگر بجای سخنرانی‏ها و داستان‏خوانی‏ها میزگرد می‏گذاشتند و این وقت صرف گفت و گو می‏شد و نظرهای‏ مختلف به بحث گذاشته می‏شد خیلی بهتر بود.